بحث: تخصیص عام کتابی به خبر واحد:

۱. مرحوم فاضل تونی قبل از طرح بحث به نکته‌ای اشاره می‌دهد:

«إذا ورد عامّ و خاصّ متنافیا الظاهر، فإمّا أن یکونا من الکتاب، أو من السنّة، أو العامّ من الکتاب و الخاصّ من السنّة، أو بالعکس، فهذه أربعة أقسام.

و علی کلّ تقدیر: فإمّا أن یکونا قطعیّین، أو ظنیّین، أو العامّ قطعیّا و الخاصّ ظنیّا، أو بالعکس، فهذه ستة عشر قسما.

و علی کلّ تقدیر: فالقطعیّة و الظنیّة: إمّا بحسب المتن فیهما، أو بحسب السند فیهما، أو بحسب المتن فی العامّ و بحسب السند فی الخاصّ، أو بالعکس، فهذه أربعة و ستون قسما.

و علی کلّ تقدیر، فالتنافی: إمّا بین منطوقیهما، أو مفهومیهما، أو منطوق العامّ و مفهوم الخاصّ، أو بالعکس، فهذه مائتان و ستة و خمسون قسما.

و علی کلّ تقدیر: فإمّا أن یکون العامّ و الخاصّ مقترنین، أو العامّ مقدّما و الخاصّ مؤخّرا، أو بالعکس، أو کلاهما مجهولی التاریخ، أو العامّ فقط، أو الخاصّ فقط، فهذه ألف و خمسمائة و ستة و ثلاثون قسما.

و الخاصّ المؤخّر: إمّا بعد وقت العمل، أو قبله، فهذه ألف و سبعمائة و اثنان و تسعون قسما.

و قد وقع الخلاف فی کثیر من هذه الأقسام، فی جواز مقاومة الخاصّ للعامّ، و فی کونه مبیّنا أو ناسخا.

و تحقیق الحقّ فی کلّ واحد علی التفصیل، ممّا یفضی إلی غایة التطویل»[1]

۲. مرحوم مظفر توجه می‌دهد که درباره رابطه خبر واحد و آیات قرآن ممکن است شبهه‌ای در اذهان پدید آید:

«یبدو من الصعب علی المبتدئ أن یؤمن لأوّل وهلة بجواز تخصیص العامّ الوارد فی القرآن الکریم بخبر الواحد، نظراً إلی أنّ الکتاب المقدّس إنّما هو وحی منزل من اللّه تعالی لا ریب فیه، و الخبر ظنّیٌّ یحتمل فیه الخطأ و الکذب، فکیف یقدّم علی الکتاب؟ و لکن سیرة العلماء من القدیم علی العمل بخبر الواحد إذا کان مخصّصاً للعام القرآنی، بل لا تجد علی الأغلب خبراً معمولًا به من بین الأخبار الّتی بأیدینا فی المجامیع إلّا و هو مخالف لعامّ أو مطلق فی القرآن، و لو مثل عمومات الحلّ و نحوها. بل علی الظاهر أنّ مسألة تقدیم الخبر الخاصّ علی الآیة

[1]. الوافیه، ص۱۳۳

القرآنیّة العامّة من المسائل المجمع علیها من غیر خلاف بین علمائنا، فما السرّ فی ذلک مع ما قلناه؟»[1]

۳. البته مرحوم خویی توجه می‌دهند که اکثر اخبار واحد مخصص و مقید آیات شریفه نیستند و اینکه مرحوم مظفر (مثل بسیاری دیگر همانند مرحوم نایینی[2]) می‌گویند «خبری نیست مگر اینکه مخصص یا مقید عام قرآنی باشد» سخن کامل نیست. چرا که اساساً آیات قرآن در مقام اصل تشریع‌اند و عمومیت یا اطلاق ندارند:

«لا یخفی ان جل الروایات الدالة علی تعیین اجزاء العبادات و شرائطها و موانعها لیست فیها ما یخالف الکتاب و لو کانت مخالفة له مخالفة بدویة و من قبیل مخالفة المطلق أو العام للمقید أو المخصص لأن الأوامر المتعلقة بالعبادات کلها واردة فی مقام التشریع و لیس لشیء منها إطلاق یقتضی عدم اعتبار شیء ما فی متعلقاتها لتکون الروایة الدالة علی اعتباره فیها مخالفة للکتاب بنحو من المخالفة بل الأمر کذلک فی کثیر من الروایات الواردة فی غیر العبادات لأنه لیس فی الکتاب ما یدل بعمومه أو بإطلاقه علی حلیة کل فعل صادر من المکلف لیکون الخبر الدال علی حرمة فعل ما مخالفا له و لو بوجه»[3]

۴. قبل از طرح بحث لازم است توجه کنیم که این بحث بعد از آن مطرح می‌شود که حجیت عمومات قرآنی را بپذیریم (و مثل اخباری‌ها، آیات را از دایره حجج خارج ندانیم) و همچنین اصل حجیت خبر واحد را نیز قبول داشته باشیم (و مثل برخی از قدما نباشیم که خبر واحد را حجت نمی‌دانند)

۵. درباره خبر واحد این سوال مطرح است که آیا خبر واحد می‌تواند عام کتابی را تخصیص زند. این سوال و شبهه تنها در مورد خبر واحد مطرح است و درباره سایر امارات مطرح نیست

۶. علت اینکه این شبهه اختصاص به خبر واحد دارد آن است که سایر امارات اگر ظنی الدلاله هستند، ظنی السند (و ظنی الصدور) نیستند. مثلاً خبر متواتر، یا آیات قرآن و یا خبری که محفوف به قرینه‌ای باشد که صدور آن را قطعی کند، از این جهت با خبر واحد متفاوت هستند.

---

[1] . اصول الفقه (ط- انتشارات اسلامی)، ج۱، ص۲۱۶

[2] . ن ک: اجود التقریرات، ج۲، ص۳۹۰

[3] . همان، ج۱، ص۵۰۵

۷. البته در این بحث سخن درباره خبر واحدی است که ادله حجیت به طور خاص حجیت آن را ثابت کرده باشد و بحث درباره آن دسته از اخباری نیست که به سبب ادله انسداد حجت شده‌اند (در این باره ذیل سخن مرحوم آخوند سخن خواهیم گفت)